

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۸۸۵۲

۳ / ۱۰ / ۱۳۸۰

ارزیابان  
کمیته  
معماری

به نام خدا

راهبردهای بهینه توسعه فضایی استان فارس

توسط

آیت الله مختاری

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی بعنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم  
برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

شهرسازی

از

دانشگاه شیراز

شیراز - ایران

015538

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه :

..... آقای دکتر مهیار اردشیری (رئیس کمیته)  
..... آقای دکتر محمد رضا بذرگر (مشاور)  
..... آقای مهندس محمد کبکانی (مشاور)  
..... دکتر کاظم معمار ضیاء، استادیار بخش معماری

شهریورماه ۱۳۸۰

۳۸۸۶۳

تقدیم می دارم به :

همسر مهربانم و تمامی معلمان و اساتید بزرگوارم از دوران ابتدایی تا دانشگاه

## سپاسگزاری :

اکنون که به یاری خداوند متعال دوره دیگری از تحصیلاتم را به پایان رسانده‌ام، صمیمانه از تمامی کسانی که به من آموختن یاد داده اند و آنان که زحمات زیادی را در این مسیر متقبل شده اند، خصوصا پدر و مادر عزیزم تقدیر و تشکر می کنم.

شایسته است که از رهنمودها، مساعدتها و راهنمائیهای گرانقدر، ارزنده و بی شائبه اساتید بزرگوام، آقای دکتر مهیار اردشیری بعنوان استاد راهنما، جناب آقای دکتر محمدرضا بذرگر و جناب آقای مهندس محمدکیبانی به عنوان اساتید مشاور این تحقیق و تمامی اساتید بزرگوام بخش برنامه ریزی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و بخش شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین لازم میدانم از زحمات و همکاری کارشناسان محترم ادارات و سازمانهای مختلف استان فارس و اساتید دانشگاه تشکر نمایم.

آیت الله مختاری

شیراز - شهریور ماه ۱۳۸۰

**چکیده**  
**راهبردهای بپینه توسعه فضایی استان فارس**  
**توسط**  
**آیت‌الله مختاری**

این تحقیق با هدف تعیین استراتژی مناسب برای رسیدن به توسعه موزون و پایدار در استان فارس صورت گرفته است. در این مطالعه نظر کارشناسان ادارات و سازمانهای مختلف استان فارس و اساتید دانشگاه من جمله کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی، استانداری، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جهاد کشاورزی و سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس در مورد روند توسعه استان و راه‌های پیشنهادی ارائه شده گرفته شده است.

بر اساس آمار و اطلاعات موجود روند توسعه استان فارس به سمت تمرکز در شهر شیراز و تک‌سری شهری و ناموزونی توسعه و عدم تعادل فضایی - بخشی حرکت می‌کند. لذا انجام تحقیقی در این زمینه به منظور تعیین مناسب‌ترین استراتژی فضایی استان فارس لازم و ضروری به نظر رسید.

هر چند که این مطالعه با کمبود امکانات، وقت و ... مواجه بوده است، ما می‌تواند نقطه آغازین و محرکی باشد تا مسئولان امر و کسانی که در امر برنامه ریزی استان فارس در سطح ملی و منطقه‌ای دخالت دارند به فکر چاره‌ای باشند تا علاج واقعه را قبل از وقوع کنند.

این مطالعه پس از بررسی ساختار فضایی استان فارس و بررسی دیدگاههای نظری پیرامون موضوع و ضمن کسب نظر کارشناسان استان فارس مناسب‌ترین استراتژی فضایی استان را معین نموده است. امید است که ادامه این تحقیق و تکمیل آن بتواند راه رسیدن به توسعه موزون و پایدار را در استان فارس هموار نماید.

## فهرست مطالب

فصل اول	۱
مقدمه	۱
طرح موضوع	۵
طرح مساله	۸
ضرورت تحقیق	۱۳
هدف تحقیق	۱۵
سؤالات تحقیق	۱۵
فرضیه تحقیق	۱۶
فرایند تحقیق	۱۶
روش تحقیق	۱۶
فصل دوم : چارچوب نظری تحقیق	۲۰
دیدگاههای Positive (واقع گرا) در مورد توسعه منطقه ای	۲۰
دیدگاههای Normative (قاعده ای، اصولی) در مورد توسعه منطقه ای	۳۴
مروری بر ادبیات موجود	۴۹
تجربه فرانسه	۴۹
تجربه امریکا	۵۰
استراتژی برنامه ریزی چند سطحی استان فارس	۵۱
اصول کلی توسعه استان فارس در مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی	۵۲
جمعیت پذیری و توزیع رتبه یی چهل شهر اصلی ایران	۵۳
تحلیل نظری- تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران	۵۵
اصول و راهبردهای توسعه ی استان فارس ۱۴۰۰	۵۶
سیاست ایجاد شهرهای جدید	۵۸
فصل سوم	۶۳
بررسی ساختار فضایی استان فارس	۶۳
فصل چهارم	۷۸
تجزیه و تحلیل	۷۸
فصل پنجم	۱۱۰
خلاصه و نتیجه گیری	۱۱۰

۱۱۶ .....	منابع و مأخذ
۱۲۱ .....	ضمیمه

## فصل اول

### مقدمه :

گرچه توسعه یک پدیده عینی اقتصادی - اجتماعی است، اما بر خلاف رشد، پیچیده و چند بعدی است و به سادگی نمی توان آنرا با شاخصهای کمی مانند سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی پیشرفته از جوامع صنعتی به کشورهای عقب مانده اندازه گیری کرد. زیرا گذشته از بهبود وضع اقتصادی و ترقی سطح تکنولوژی، باید تغییرات کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز پدید آید.

توسعه فرایندی است مستمر از تجربه و نوآوری که همه ابعاد زندگی اجتماعی را در بر می گیرد و تحولی عمیق و بنیادین در بینش، دانش، مهارتها، اخلاقیات و مناسبات میان مردم پدید می آورد.

فضا در برگیرنده و حاصل روابط متقابل اقتصادی - اجتماعی بخشی از جامعه در محیط مشخصی از سرزمین است و سازمان فضایی تبیین روابط بین انسان و فضا و فعالیتهای انسان در فضا می باشد. سازمان فضایی سیمای کلی و چگونگی پراکنش و اسکان جمعیت و توزیع استقرار و ساختار اقتصادی - اجتماعی و کنشهای متقابل بین آنها را مشخص می سازد.

توسعه فضایی به معنای توزیع بهینه جمعیت، فعالیتهای در پهنه سرزمین می باشد.

پس از جنگ جهانی دوم، از یک سو مفهوم و درک جدید و کما بیش یکسانی از توسعه در جهان انتشارات یافت و از سوی دیگر با فرو پاشی نظام استعمار کهنه اروپا، کشورهای نو استقلال متعددی به وجود آمدند که همراه



دیگر کشورهای جنوب به دستیابی سطح توسعه کشورهای شمال علاقمند شدند. این مفهوم جدید توسعه مقبولیت خاصی در بین کشورهای جنوب پیدا کرد. اکثر این کشورها در تکاپوی جبران عقب ماندگی و ساختمان جامعه ای نوین بودند و در جستجوی توسعه ملی به برنامه ریزی مرکزی چند ساله و ایجاد اقتصاد مختلط روی آوردند. در این زمان غالباً دیدگاه مسلط برای رسیدن به توسعه ملی در کشورهای جنوب دیدگاهی اقتصادی و مبتنی بر برنامه ریزی جامع بود تا بتوان از کوتاهترین مسیر و در کمترین زمان به توسعه رسید. هر چند این موضوع باعث شتاب آهنگ رشد اقتصادی این کشورها نسبت به دهه های گذشته شد، اما این شتاب در دهه های بعدی، کند و یا متوقف شد. (صرافی ۱۳۷۷).

در این برهه از زمان توجه کشورهای جنوب به متغیرهای اصلی اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، مصرف، سرمایه گذاری، پس انداز و... بود و مدیریت اجتماعی در واقع بر عقلانیت اقتصادی مبتنی بوده، دور نمای آن استفاده از منابع کمیاب برای رسیدن به توسعه مورد نظر دولتها می باشد. جان فریدمن (John Friedman) باورهای اساسی نیل به توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۵۰ را چنین خلاصه می کند:

۱- رشد اقتصادی تنها ارزش مهم در توسعه ملی است.

۲- رشد اقتصادی با ارزش بازار (Market value) تولیدات تعریف می شود.

۳- نظم اقتصادی به تخصیص کارآی منابع برای رشد اقتصادی می انجامد. (صرافی، ۱۳۷۷).

به موازات رشد نسبتاً سریع اقتصادی، به تدریج مسأله دوگانگی منطقه ای به شکلی حاد در کشورهای جنوب ظاهر شد. فضای ملی این کشورها به دو

بخش تقسیم شد: یکی محدود و برخوردار از رشد و دیگر گسترده و محروم به این معنا که توسعه ناموزون در ابعاد بخشی و فضایی کشورهای جنوب از پیامد اتخاذ سیاستهای رشد اقتصادی به منظور رسیدن به توسعه ای شبیه آنچه در کشورهای شمال اتفاق افتاده بود ، می باشد.

تمرکز فضایی و نابرابریهای بخشی - فضایی پس از جنگ جهانی دوم به اشکال زیر در کشورهای جنوب بوجود آمد:

**الف ( تفاوتهای شهری - روستایی Rural urban disparities**

**ب) تفاوتهای منطقه ای Regional disparities**

**ج) تقدم ( تسلط ) شهری Urban primacy**

**الف) تفاوتهای شهری - روستایی**

به این معنا که تفاوتهای اصلی بین استانداردهای زندگی جمعیت شهری و روستایی بوجود آمد. بعنوان مثال در سال ۱۹۸۰ نیمی از خانوارهای روستایی هند در مقایسه با یک پنجم از خانوارهای شهری در فقر زندگی می کردند و یا میزان مرگ و میر کودکان شهری در مقایسه با روستایی کمتر می باشد .

**ب) تفاوتهای منطقه ای**

تفاوتهای منطقه ای نیز در کشورهای جنوب زیاد شده و شاخص اقتصادی، اجتماعی در اغلب این کشورها مانند امکانات پزشکی، مدارس، فعالیتهای صنعتی و سرمایه گذاریها ... در مناطق معینی تمرکز یافته و این مناطق بر سایر مکانهای کشور برتری دارند و امکانات اقتصادی، اجتماعی و

فعالیت‌های صنعتی تنها درصد کمی از کل جمعیت آن کشورها را خدمات می‌دهند .

### ج) تقدم (تسلط) شهری

بعنوان مثال در سال ۱۹۸۵ در کشور کنیا بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از سرمایه‌گذاران ی صنعتی، پنجاه و دو درصد (۵۲٪) از کارگران مزد بگیر و شصت (۶۰٪) از همهٔ درآمدهای بخش خصوصی در نایروبی (Nairobi) که فقط هفت درصد (۷٪) از جمعیت ملی را داشت، تمرکز یافته بود .

در بحث شاخص تقدم (تسلط) شهری نیز در کشورهای جنوب با یک توزیع بسیار ناموزون فضایی جمعیت و تمرکز شدید جمعیت در یک یا دو شهر مواجه می‌باشیم. در اغلب کشورهای جهان سوم فعالیت‌های مدرن که در مقیاس وسیع فعال می‌باشند و اشکال مختلف سازمان‌های اجتماعی و ادارات و مراکز تصمیم‌گیری در یک شهر اصلی به تنهایی یافت می‌شوند. این تمرکز از طریق تسلط یک شهر بر سایر شهرها بازتاب خود را نشان می‌دهد. تمرکز جمعیت در یک شهر اصلی، جذب بی‌حد و تناسب سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی بوسیله شهر مسلط و تمرکز شدید خدمات و ..... از جمله خصوصیات این کشورها می‌باشد.

بنابراین پس از جنگ جهانی دوم توسعه به شکل ناموزونی بین مردم، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و مناطق مختلف کشورهای جنوب ظاهر شد و رسیدن به توسعه موزون از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد در اولویت اهداف کشورهای جنوب قرار گرفت (صرافی، ۱۳۷۷).

در برابر توسعه ناموزونی که رخ داده بود دو دیدگاه وجود داشت. (صرافی، ۱۳۷۷)

### ۱- دیدگاه مسلط: نوسازی و تداوم رشد اقتصادی

### ۲- دیدگاه انتقادی: وابستگی و لزوم عدالت در توزیع رشد

نظریه های مسلط رشد اقتصادی توسعه ناموزون را مرحله گذار به سوی تعادل نهایی توجیه می کردند و وعده "رخنه به پایین" برای تعادل نهایی را می دادند و نقش دولت در این دیدگاه آزاد گذاری روال بازار و حذف موانع آن بود.

دیدگاههای انتقادی وابستگی بر عدالت و توزیع به جای رشد و کارآیی تاکید می کردند و توسعه ناموزون را خصلت دیدگاههای مسلط می دانستند و برخی نیز نظام جهانی را موجب روابط "مرکز پیرامون" معرفی می کردند. در این دیدگاه به نقش دولت به عنوان تغییر دهنده روابط مرکز و پیرامون با اتکا به رشد ملی و گسستن از وابستگی جهانی و کاهش اختلافات منطقه ای با تکیه بر عدالت در توزیع مواهب توسعه سفارش شده است.

### طرح موضوع

در مراحل اولیه توسعه، به دلیل بهره گیری از صرفه جوییهای تجمع و مقیاس، عدم وجود خدمات زیر بنایی و امکانات مختلف آموزشی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی-درمانی در شهرها و کمبود سرمایه، منابع انسانی و فن آوری، تاکید اهداف برنامه ریزی توسعه بر رشد اقتصادی، توجه به برخی مناطق که از شرایط بهتری برخوردارند و ... موجب سرمایه گذاری ناموزون در ابعاد فضایی و توسعه متمرکز می شود.

نظریه پردازان قطب رشد معتقدند که توسعه ماهیتا غیر متعادل آغاز می شود و کارآیی اقتصادی با تمرکز خدمات زیر بنایی و فعالیتهای مولد در کنار یکدیگر به دست می آید و هزینه های اجتماعی و اقدامات متمرکز توسعه صنعتی و خدماتی در شهری با بزرگی لازم را توجیه پذیر می دانند. هیرشمن توسعه اقتصادی در فضا را ماهیتا تمرکز طلب می دانست و آن را روند قطبی شدن (Polarization) می نامید و معتقد بود که در مراحل بعدی، توسعه به اطراف و پایین رخنه پیدا می کند.

میردال معتقد است که هر گاه به هر دلیلی رشد یک مرکز شروع شود پس از آن صرفه جوییهای داخلی و خارجی باعث رشد آن مرکز به زیان دیگر مراکز خواهد شد و جریانهای نیروی کار، کار آفرینی، بازرگانی و سرمایه ای را به خود جذب می کند و در مراحل عالی توسعه اثرات رخنه به پایین صورت می گیرد.

بنابر این تمرکز در برخی مناطق خصوصا شهرهای بزرگ باعث می شود تا مهاجرتها از جوامع روستایی به سمت مراکزی که سرمایه گذاریها متمرکز شده اند جریان پیدا کند.

مهاجرت را می توان هم علت و هم معلول توسعه ناموزون مناطق دانست. از یک سو مهاجرت خصوصا از روستا به شهر باعث شهرنشینی سریع و ایجاد مراکز زیستی با جمعیت بسیار زیاد که توان تولیدی، خدمات رسانی و توزیع امکانات شهری محدود دارند می شود و از سوی دیگر علت اصلی مهاجرتها عوامل اقتصادی مانند کسب فرصتهای شغلی بهتر و درآمد بیشتر می باشد و چیزی که باعث این مهاجرتها می شود همان توسعه ناموزون و تمرکز سرمایه گذاریها در مناطقی خاص می باشد.

توزیع نا موزون سرمایه گذاری ها باعث می شود که برخی مناطق نسبت به سایر نواحی از مزیت نسبی مکانی برخوردار شوند و این موضوع باعث تشدید مهاجرتها می شود. هر چند که تمرکز جمعیت و یا سرمایه گذاریها در مراحل اولیه توسعه می تواند عامل توسعه شود اما شدت گرفتن آن نیز باعث دوگانگی فضایی می شود.

بازده فعالیتهای تولیدی به دلیل تراکم بیش از حد کاهش می یابد و هزینه زندگی در مناطق با تراکم بالا زیاد می شود و آلودگیهای محیط زیست نیز افزایش می یابد.

نظریه پردازان ساختارگرا معتقدند که دوگانگی فضایی و نقش شهرهای بزرگ در توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم مؤثر است .

Rondineli و Ruddle ساختار فضایی کشورهای جهان سوم را بزرگترین مانع توسعه موزون و پایدار این کشورها می دانستند.

بنابر این نبود نظام فضایی موزون سکونت گاهی در سطوح مختلف از جمله عوامل مؤثر بر توسعه ناموزون می باشد. از نظر محققین مکتب وابستگی تمرکز جمعیت و ثروت در شهرهای بزرگ و عدم وجود پیوند مراکز کوچک جمعیتی با شهرهای بزرگ از طریق شهرهای متوسط باعث ناموزونی توسعه در مناطق می شود. توسعه ناموزون نیز توزیع ناموزون جمعیت، فعالیتهای مختلف اقتصادی، سرمایه گذاریها و ... را در پی خواهد داشت. پس دوگانگی فضایی و بخشی موجب می شود که فرایند توسعه در کشورهای جهان سوم به شکل مطلوب صورت نگیرد.

نتیجه این که توسعه موزون فضایی و داشتن استراتژی مطلوب جهت پراکنش بینه و مناسب جمعیت در مراکز زیستی یک منطقه لازم و ضروری می باشد. سطح ملی زمانی به اهداف برنامه های اقتصادی، اجتماعی می رسد

که مناطق موزون و هماهنگ از جنبه های مختلف خصوصا بعد جمعیتی و اقتصادی داشته باشد.

در یک برنامه ریزی توسعه فضایی به مساله جمعیت توجه خاص می شود و این نوع برنامه ریزی، ابزار حرکت و هدایت آگاهانه بسوی توسعه موزون و تعادلهای منطقه ای می باشد. اهداف برنامه ریزی ملی نیز که باید در سطح منطقه پیاده شوند ناگزیر بعد فضایی به خود می گیرند و اینجاست که برنامه ریزی توسعه فضایی جهت رسیدن به اهداف برنامه ریزی ملی در سطح منطقه پا به میدان عمل می گذارد .

بنابر این برنامه ریزی توسعه موزون و متعادل مناطق و پراکنش بینه جمعیت در منطقه گذشته از آنکه به ایجاد تعادل و توازن و هماهنگی در مناطق کمک می کند، لازمه اجرای برنامه های ملی نیز می باشد .

### طرح مساله

یکی از خصوصیات کشور های در حال رشد توسعه نا موزون در ابعاد بخشی و فضایی است . در کشور ما ( ایران ) نیز از سالها قبل شاهد توزیع نا موزون جمعیتی در مناطق مختلف کشور می باشیم . مهاجرت را می توان از دلایل عدم توزیع متعادل جمعیت در سطح کشور مطرح نمود. توزیع نا موزون سرمایه گذاری ها و سایر عوامل اقتصادی ، اجتماعی و فیزیکی باعث مطلو بیت نسبی مکانها و سرانجام شدت مهاجرت های داخلی می شود.

توزیع نا موزون جمعیت در میان مناطق مختلف کشور وجهه ای از ساختار نامناسب توزیع فضایی جمعیت ایران است. آمار سرشماری سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد و در برخی موارد تا ۸۰ درصد از جمعیت استان در مرکز استان ساکن می باشند. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۵ درصد جمعیت بزرگترین شهر استان به کل جمعیت آن استان در تهران